



مقدمه

اخلاق، یکی از سه بُعد عمده دین است و اسلام بر سه بُعد اصلی «اعتقاد»، «احکام» و «اخلاق» استوار است و تکمیل ارزش‌های اخلاقی و جهت‌دهی بخشیدن به صفات و رفتار انسان‌ها از اهداف عمده بعثت انبیا است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز فرمود: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». «تصحیح منش و رفتار انسان و کاشتن بذر کمالات اخلاقی و خصال متعالی انسانی در نهاد جان انسان‌ها، بخشی مهم از رسالت پیامبر و امامان را تشکیل می‌دهد. اخلاق را از کجا می‌توان آموخت؟ از گفتار و رفتار معصوم. چرا که آنان اسوه‌اند و مظهر شایسته‌ترین خصلت‌های انسانی و خداپسند. و عاشورا چیست؟ جلوه‌گاه خُلق و خوی حسینی و مکارم اخلاق در برخوردهای یک حجت معصوم.

«الْمَوْتُ أَوَّلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ أَوَّلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ»
«مرگ، بهتر از ننگ و ننگ بهتر از آتش دوزخ است.»

حادثه کربلا و سخنانی که امام حسین (علیه السلام) و خانواده او داشتند و روحیات و خلق و خوی که از حماسه‌سازان عاشورا به ثبت رسیده است، منبع ارزشمندی برای آموزش اخلاق و الگوگیری در زمینه خودسازی، سلوک اجتماعی، تربیت دینی و کرامت انسانی است.

مسائلی همچون صبوری، ایثار، جوانمردی، وفا، عزت، شجاعت، وارستگی از تعلقات، توکل، خداجویی، همدردی و بزرگواری، نمونه‌هایی از «پیام‌های اخلاقی» عاشورا است و در گوشه گوشه این واقعه جاویدان، می‌توان

جلوه‌های اخلاقی را دید.

آزادی در مقابل بردگی، اصطلاحی حقوقی و اجتماعی است، اما «آزادگی» برتر از آزادی است و نوعی حرّیت انسانی و رهایی انسان از قید و بندهای ذلت آور و حقارت‌بار است. تعلقات و پای بندی‌های انسان به دنیا، ثروت، اقوام، مقام، فرزند و... در مسیر آزادی روح او، مانع ایجاد می‌کند. اسارت در برابر تمنّیات نفسانی و عُلقه‌های مادی، نشانه ضعف اراده بشری است.

وقتی کمال و ارزش انسان به روح بلند و همت عالی و خصال نیکوست، خود را به دنیا و شهوات فروختن، نوعی پذیرش حقارت است و خود را ارزان فروختن.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَازَةَ لِأَهْلِهَا؟ إِنَّهُ لَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا.» (1)

«آیا هیچ آزاده ای نیست که این نیم خورده (دنیا) را برای اهلش واگذارد؟»

یقیناً بهای وجود شما چیزی جز بهشت نیست. پس خود را جز به بهشت نفروشید!

آزادگی در آن است که انسان کرامت و شرافت خویش را بشناسد و تن به پستی و ذلت و حقارت نفس و اسارت دنیا و زیر پا نهادن ارزش‌های انسانی ندهد.

در پیچ و خم‌ها و فراز و نشیب‌های زندگی، گاهی صحنه‌هایی پیش می‌آید که انسان‌ها به خاطر رسیدن به دنیا یا حفظ آنچه دارند یا تامین تمنّیات و خواسته‌ها یا چند روز زنده ماندن، هر گونه حقارت و اسارت را می‌پذیرد. اما احرار و آزادگان، گاهی با ایثار جان هم، بهای «آزادگی» را می‌پردازند و تن به ذلت نمی‌دهند. امام حسین (علیه السلام) فرمود:

«مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ» (2)؛ مرگ با عزت بهتر از حیات ذلیلانه است.

این نگرش به زندگی، ویژه آزادگان است. نهضت عاشورا جلوه بارزی از آزادگی در مورد امام حسین (علیه السلام) و خاندان و یاران شهید اوست و اگر آزادگی نبود، امام تن به بیعت می‌داد و کشته نمی‌شد. وقتی می‌خواستند به زور از آن حضرت بیعت به نفع یزید بگیرند، منطقی این بود که:

«لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيهِمْ بَيْدَى إِعْطَاءِ الدَّلِيلِ وَلَا أَقْبِرُ إِقْرَارَ الْعَبِيدِ» (3)؛ نه به خدا سوگند؛ نه دست ذلت به آنان می‌دهم و نه چون بردگان تسلیم حکومت آنان می‌شوم!

صحنه کربلا نیز جلوه دیگری از این آزادگی بود که از میان دو امر شمشیر یا ذلت، مرگ با افتخار را پذیرفت و به استقبال شمشیرهای دشمن رفت و فرمود:

«أَلَا وَ إِنَّ الدَّعِيَّ بْنَ الدَّعِيِّ قَدَرِ كَرْنِي بَيْنَ اثْنَتَيْنِ: بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَةِ وَ هَيْهَاتَ مِّنَ الذَّلَةِ.» (4)

«بر ما گمان بردگی زور برده اند؛ ای مرگ! همتی که نخواهیم این قیود انسان‌های آزاده، در لحظات حساس و دشوار انتخاب، مرگ سرخ و مبارزه خونین را بر می‌گزینند و فداکارانه جان می‌بازند تا به سعادت شهادت برسند و جامعه خود را آزاد کنند.»

در نبرد روز عاشورا نیز، هنگام حمله به صفوف دشمن این رجز را می‌خواند:

«الْمَوْتُ أَوَّلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ أَوَّلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ» (5)

«مرگ، بهتر از ننگ و ننگ بهتر از آتش دوزخ است.»

روح آزادگی امام، سبب شد حتی در آن حال که مجروح بر زمین افتاده بود نسبت به تصمیم سپاه دشمن برای حمله به خیمه‌های زنان و فرزندان، برآشوبد و آنان را به آزادگی دعوت کند:

«ان لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أحراراً فِي دُنْيَاكُمْ.» (6)

«گر شما را به جهان بینش و آیینی نیست لااقل مردم آزاده به دنیا باشید»

فرهنگ آزادی در یاران امام و شهدای کربلا نیز بود. حتی مسلم بن عقیل پیشاهنگ نهضت حسینی در کوفه نیز، هنگام رویارویی با سپاه ابن زیاد رجز را می‌خواند و می‌جنگید: «اقْسَمْتُ لَا أَقْتُلُ إِلَّا حُرّاً وَ إِن رَأَيْتُ الْمَوْتَ شَيْئاً نُكْرًا» (7)

هر چند که مرگ را چیز ناخوشایندی می‌بینم. ولی سوگند خورده‌ام که جز با آزادی کشته نشوم.

عاشورا

جالب اینجا است که همین شعار و رجز را عبدالله، پسر مسلم بن عقیل، در روز عاشورا هنگام نبرد در میدان کربلا می‌خواند. (8) این نشان دهنده پیوند فکری و مرامی این خانواده بر اساس آزادی است.

دو شهید دیگر از طایفه غفار، به نام‌های عبدالله و عبدالرحمان، فرزندان عروه، در رجزی که در روز عاشورا می‌خواندند، مردم را به دفاع از «فرزندان آزادگان» می‌خواندند. و با این عنوان، از آل پیامبر یاد می‌کردند: «یا قوم ذودوا عن بنی الاحرار...» (9)

مصدق بارز دیگری از این حرّیت و آزادی، حُرّ بن یزید ریاحی بود. آزادی او سبب شد که به خاطر دنیا و ریاست آن، خود را جهنمی نکند و بهشت را در سایه شهادت خریدار شود. توبه کرد و از سپاه ابن زیاد جدا شد و به حسین (علیه السلام) پیوست و صبح عاشورا در نبردی دلاورانه به شهادت رسید. وقتی حُرّ نزد امام حسین (علیه السلام) آمد، یکی از اصحاب حضرت، با اشعاری مقام آزادی و حرّیت او را ستود:

«لَبِعَمَّ الْحُرُّ حُرّاً بَنَى رِيَّاحٍ وَ حُرٌّ عِنْدَ مُخْتَلَفِ الرِّمَاحِ» (10)

چون به شهادت رسید، سیدالشهدا (علیه السلام) بر بالین او حضور یافت و او را حُرّ و آزاده خطاب کرد و فرمود: «همانگونه که مادرت نام تو را حُرّ گذاشته است، آزاده و سعادت‌مندی، در دنیا و آخرت»؛ «أَنْتَ حُرٌّ كَمَا سَمَّيْتَكَ

أُمُّكَ، وَ أَنْتَ حُرٌّ فِي الدُّنْيَا وَ أَنْتَ حُرٌّ فِي الْآخِرَةِ.» (11)

اگر آزادی خواهان و آزادگان جهان، در راه استقلال و رهایی از ستم و طاغوت‌ها می‌جنگند و الگوشان قهرمانی‌های شهدای کربلا است، در سایه همین درس «آزادی» است که ارمغان عاشورا برای همیشه تاریخ است. انسان‌های آزاده، در لحظات حساس و دشوار انتخاب، مرگ سرخ و مبارزه خونین را بر می‌گزینند و فداکارانه جان می‌بازند تا به سعادت شهادت برسند و جامعه خود را آزاد کنند.

پی‌نوشت‌ها:

1- نهج البلاغه، صبحی صالحی، حکمت 456 .

2- مناقب، ابن شهر آشوب، ج 4، ص 68 .

3- موسوعة كلمات الامام الحسين، ص 421 .

- 4- لهوف، سيد بن طاووس، ص 57 .
- 5- كشف الغمه، اربلي، ج 2، ص 32 .
- 6- بحارالانوار، ج 44، ص 51 .
- 7- همان، ص 352 .
- 8- بحارالانوار، ج 44، ص 352 .
- 9- وقعة الطف، ص 234 .
- 10- ارشاد، شيخ مفيد (چاپ كنگره جهانی شيخ مفيد) ج 2، ص 100 .
- 11- بحارالانوار، ج 45، ص 14 / وقعة الطّف، ص 215.

منبع: پیام های عاشورا، جواد محدثی .